

محوطه‌های عصر آهن منطقه طالقان، شمال مرکزی فلات ایران

دکتر حجت دارابی

دکتری باستان شناسی

نازلی نیازی

کارشناس باستان شناسی

(از ص ۵۵ تا ۷۶)

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۶/۱۷

چکیده:

طالقان مانند مناطق مجاورش از قبیل ساوجبلاغ، دشت تهران و ... از جمله مناطق مستعد شکل‌گیری استقرارهای عصر آهن شمال مرکزی فلات ایران است. طی بررسی باستان‌شناختی این منطقه در سال ۱۳۸۰، نوزده محوطه به عصر آهن منتسب گشت که در نتیجه مطالعه دوباره یافته‌های حاصل از این بررسی، تنها ده محوطه دارای سفالهای شاخص قابل تأمل و تاریخ‌نگاری بوده‌اند. مقایسه سفالهای این محوطه‌ها نشان می‌دهد که اینها مربوط به عصر آهن I و II می‌باشند. به نظر میرسد ارتفاع بالای منطقه طالقان و نیز آب و هوای سرد و کوهستانی آن به همراه کمبود زمینهای کشاورزی باعث شده تا این منطقه در عصر آهن همانند عصر حاضر مورد توجه جوامع کوچ‌نشین قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: عصر آهن، شمال مرکزی فلات ایران، طالقان، جوامع کوچ‌نشین.

مقدمه:

به طور کلی مطالعات و پژوهش‌های مرتبط با عصر آهن به دو دوره متمایز تقسیم شده است: دوره اول که آغاز فعالیت‌های باستان‌شناختی در ایران تا سال ۱۹۵۷م. را در برمیگیرد و دوره انباشت داده‌های باستان‌شناختی عصر آهن در نتیجه فعالیت‌های انفرادی بوده است و دوره دوم که از سال ۱۹۵۷م. و همزمان با شروع فعالیت‌های رابرت دایسون در تپه حسنلو شروع شده و تا اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی ادامه یافته و طی آن برنامه‌های مطالعاتی، هدفدار گشته است (طلایی، ۱۳۸۱: ۴۱). این امر باعث پیشرفت باستان‌شناسی عصر آهن و شکل‌گیری مباحث نظری مرتبط با این دوره شد؛ به طوری که رابرت دایسون در نتیجه مطالعات خود در شمال غرب نظریه «پویایی فرهنگی» (طلایی، ۱۳۷۶؛ Dyson, 1965) و همچنین کایلر یانگ نظریه «افق‌های سفالی و مهاجرت ایرانیان» (Young, 1967) را مطرح ساختند که البته یانگ بعدها به تعدیل نظریات پیشین خود پرداخت (Young, 1985). باستان‌شناسی عصر آهن تاکنون در مناطق غرب، شمال غرب و شمال مرکزی ایران در مقایسه با مناطق دیگر تمرکز بیشتری داشته است. با این وجود به دلیل وجود اشیاء موزه‌ای عصر آهن که بیشتر از گورستانها به دست آمده‌اند، علوم میان رشته‌ای و مسائل نظری در باستان‌شناسی این دوره در مقایسه با دیگر دوره‌های پیش از تاریخی نمود کمتری داشته است. این در حالی است که در میان محوطه‌های استقرار کمی که از دوره آهن شناسایی شده، گورستانها در برخی مناطق مانند غرب ایران و شمال مرکزی فلات ایران از نسبت بالایی برخوردار بوده‌اند.

منطقه غرب و مخصوصاً پشتکوه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰ میلادی توسط هیئت باستان‌شناسی بلژیکی به سرپرستی لویی واندنبرگ مطالعه شد. شمال غرب ایران در دوره دوم مطالعات عصر آهن مورد توجه خاصی قرار گرفت، مطالعات مرتبط با عصر آهن در شمال مرکزی فلات ایران نیز که در رده نخستین این مطالعات قرار میگیرد با کاوشهای گیرشمن در گورستانهای A B سیلک کاشان در سال ۱۹۳۲م. شروع شده بود (Ghirshman, 1939). در سالهای ۹-۱۳۴۸ خورشیدی سیفالله کامبخش فرد به کاوش در گورستان قیطریه در شمال شهر تهران پرداخت (کامبخش فرد، ۱۳۷۰). در همین زمان، کاوشهای باستان‌شناسی دانشگاه تهران در تپه سگزآباد دشت قزوین به سرپرستی شادروان نگهبان آغاز شد (نگهبان، ۱۳۵۱) و در سال ۱۳۵۴ کاوش‌های لویی واندنبرگ به مدت ده روز در گورستان خورویین انجام گرفت (واندنبرگ، ۱۳۷۹).

از دیگر محوطه‌های قابل ذکر منطقه شمال مرکزی فلات ایران که در حوزه استان تهران قرار دارند، از کهریزک، درّوس، پیشوای ورامین، قل‌هک، سلطنت آباد و بوستان پنجم پاسداران است (کامبخش فرد، ۱۳۸۳). بعد از دهه ۱۹۸۰ و در سالهای اخیر نیز کاوشهای باستان‌شناختی در محوطه‌های عصر آهن شمال مرکزی فلات ایران ادامه یافت. به طور کلی تاکنون تپه معمورین تهران (مهرکیان، ۱۳۷۴)، قلی درویش (سرلک و عقیلی، ۱۳۸۳) و تپه صرم (پوربخشنده، ۱۳۸۲) در قم، تپه ازبکی (مجیدزاده، ۱۳۷۸) در ساوجبلاغ، گورستان

تپه پردیس در قرچک ورامین (آقالاری، ۱۳۸۷) و گورستان عصر آهن تپه قبرستان دشت قزوین (فاضلی و نقشینه، ۱۳۸۵) مورد کاوش قرار گرفته‌اند. همچنین در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ بخشهای غربی و جنوبی دشت ساوجبلاغ جهت شناسایی استقرارهای هزاره دوم ق.م. توسط علی موسوی بررسی شد (Mousavi, 2005). منطقه طالقان، که موضوع این مقاله است در کنار ساوجبلاغ، واقع شده است و به نظر می‌رسد که این منطقه نیز مانند ساوجبلاغ از نظر مطالعات باستان‌شناختی عصر آهن از اهمیت بالایی برخوردار است. بر این اساس، نوشتار حاضر به معرفی مقدماتی محوطه‌های عصر آهن این منطقه پرداخته است.

موقعیت جغرافیایی و پیشینه مطالعاتی منطقه طالقان:

منطقه طالقان در ۱۴۰ کیلومتری شمال غرب تهران و در شمال ساوجبلاغ قرار دارد (شکل شماره ۱). این منطقه که در واقع جزء شهرستان ساوجبلاغ در استان تهران است، ۱۱۸۶ کیلومتر مربع وسعت دارد و از شرق به شهرستان کرج، از غرب به ناحیه الموت قزوین، از شمال به ارتفاعات البرز و از جنوب به ارتفاعات جنوبی و بخش مرکزی شهرستان ساوجبلاغ محدود گشته است. طالقان از سه دهستان پائین طالقان، میان طالقان و بالا طالقان تشکیل شده است. مهمترین رودخانه منطقه طالقان شاهرود می‌باشد که از گردنه عسلک سرچشمه گرفته و با جهت شرقی - غربی به ناحیه الموت و نهایتاً رودخانه سفیدرود میریزد (پازوکی، ۱۳۸۲: ۱۹).

منطقه طالقان اولین بار در سال ۱۳۵۳ خورشیدی به وسیله یحیی کوثری مورد بررسی باستان‌شناختی قرار گرفت. سپس در سال ۱۳۷۴، حسن رضوانی دوباره آن را بررسی نمود (توفیقیان، ۱۳۸۶: ۲۲)؛ بالاخره در سال ۱۳۸۰ هیئتی به سرپرستی ناصر پازوکی به شناسایی محوطه‌ها و آثار این بخش از شهرستان ساوجبلاغ پرداخت که طی آن، محوطه‌ها و بناهای متعددی از دوره‌های مختلف پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی ثبت گردید. پازوکی نتایج اولیه بررسی خود را در قالب کتابی با عنوان *آثار تاریخی طالقان* منتشر نموده است (پازوکی، ۱۳۸۲). در این کتاب، وی محوطه‌های منتسب به عصر آهن را فقط به طور مختصر معرفی نموده و گاهنگاری آنها را بدون مقایسه یافته‌های سطحی با دیگر محوطه‌های شاخص این دوره، به طور کلی به عصر آهن نسبت داده است، به گونه‌ای که مشخص نیست کدام دوره عصر آهن مورد نظر بوده است. در این نوشتار، سعی بر آن است تا با بررسی دوباره و مقایسه یافته‌های حاصل از بررسی - که عمدتاً قطعات سفالی بوده‌اند - با محوطه‌های عصر آهن - مخصوصاً خود شمال مرکزی فلات ایران - مشخص شود که محوطه‌های منتسب شده منطقه، مربوط به کدام دوره عصر آهن (۱، ۲ و ۳) می‌باشند. شایان ذکر است که در مطالعه دوباره سفالهای محوطه‌های شناسایی شده در بررسی منطقه طالقان که توسط موزه ملی ایران انجام یافته، ۱۹ محوطه به عصر آهن نسبت داده شده که ۱۱ محوطه از آنها با علامت سؤال همراه بوده است. همچنین گاهنگاری برخی از محوطه‌ها به دلیل فقدان سفالهای شاخص، جهت مقایسه، با حدس و گمان همراه بوده و

لذا در این نوشتار فقط محوطه‌هایی مورد بحث قرار گرفته‌اند (۱۰ محوطه) که بر اساس سفالهای سطحی جمع‌آوری شده، قابل تاریخگذاری باشند.

۱) محوطه هورسی بند (Havresi Band)-007:T.A.S.

این محوطه در واقع، گورستانی در ۲۰ متری جنوب جاده آسفالت شهرک به جزن و در ارتفاع ۱۹۶۰ متری از سطح دریا می‌باشد. از گورهای تخریب شده در محوطه، سفالهای خاکستری به همراه اشیاء فلزی به دست آمده است (پازوکی، ۱۳۸۲: ۲۰۸). سفالهای جمع‌آوری شده همگی خاکستری تیره و روشن و در سه طیف ظریف، متوسط و خشن هستند (شکل شماره ۲). در میان نمونه‌ها، دسته‌های حلقوی و عمودی متصل به بدنه، کفهای ته‌دکمه‌ای مربوط به ساغر و نیز کف‌های صاف قابل مشاهده است. برخی از ظروف، دود زده و برخی بیش از حد حرارت یافته‌اند. ظروف کوچک و مینیاتوری با بدنه کرومی و کف دکمه‌ای شکل از مشخصات مجموعه سفالی این محوطه است. یک قطعه نیز با نقش کنده افقی و زیگزاگی وجود دارد که مشابه آن در محوطه‌های سیلک (Ghirshman 1939, pl.LXIII)، قیطریه (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۸۲)، خورویین (طلایی، ۱۳۸۷: ۱۰۱؛ شماره ۱) و تپه صرم (بحرانی پور، ۱۳۸۵: ۲۰۰؛ طرح ۴، شکل ۹۵) شناسایی شده است. همچنین یک لبه خاکستری با نقش برجسته زیگزاگی به دست آمده که نقش آن شباهت زیادی با قدحی که از گورستان چن‌دار به دست آمده (واندنبرگ، ۱۳۷۹: لوحه ۱۵۸) دارد. علاوه بر قطعات سفالی، یک نمونه درفش مفرغی از دیگر یافته‌های سطحی محوطه می‌باشد. دسته‌های حلقوی قسمتی از فنجانهای دسته‌دار بوده که مشابه آنها در قیطریه (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۹۱) و گوی تپه (مدوسکایا، ۱۳۸۳: ۲۱۱) به دست آمده است. ساغرهای پایه دکمه‌ای (ته دکمه‌ای) از محوطه‌های عصر آهن ۱ سیلک A، قیطریه و دوره ۲ تپه گودین شناسایی شده‌اند (کامبخش فرد، ۱۳۸۳: ۱۴۳) (شکل‌های شماره ۳-۵).

۲) محوطه فشن‌دک (Fashandak)-012:T.A.S.

متأسفانه هیچ‌گونه اطلاعاتی از موقعیت و مشخصات این محوطه منتشر نشده و صرفاً وجود یک ظرف سفالی سالم که با نام این محوطه در بانک سفال موزه ملی ثبت شده، باعث گشته تا در فهرست محوطه‌های عصر آهن مورد بررسی واقع شود. با این وجود با توجه به نام محوطه، احتمالاً در نزدیکی روستای فشن‌دک طالقان قرار گرفته است. ظرف سفالی به دست آمده، دارای بدنه خاکستری و تمپر ماسه بادی بوده و یک دسته عمودی و نوار برجسته افقی روی شانه دارد. همچنین روی دسته ظرف یک برجستگی وجود دارد و کف آن صاف است. با توجه به اینکه بیشتر لبه ظرف، شکسته شده و از بین رفته، مشخص نیست که دارای آبریز بوده است یا نه، هر چند که شکل ظاهری آن حکایت از کاربردی برای حمل مایعات دارد (شکل شماره ۶). با

وجود اینکه از هویت و محل پیدایش ظرف سفالی مذکور اطلاعی در دست نیست، ولی احتمال دارد که از یک گور به دست آمده باشد. تاکنون هیچ نمونه قابل مقایسه با این نمونه از دیگر محوطه‌های عصر آهن شناسایی نشده است. اما بر روی برخی از سفالهای به دست آمده از کاوش گورستان مسجد کبود تبریز، نقوش نوار برجسته افقی دیده میشود که مربوط به عصر آهن ۲ میباشند (هژبری و صالحی گروسی، ۱۳۸۴). شایان ذکر است که اگر نوار برجسته روی بدنه ظرف را در نظر بگیریم، شباهت بسیاری با نمونه‌ای از گورستان تپه صرم قم دارد (طلایی، ۱۳۸۷: ۱۰۱، شماره ۲)، که البته در نمونه مذکور به جای برجستگی روی دسته، سر یک قوچ وجود دارد.

۳) محوطه سراب تپه سوهان (T.A.S.-013(Sarab Tapeh):

از موقعیت و مشخصات این محوطه نیز اطلاعی در دست نیست. از محوطه مذکور تنها دو قطعه لبه قرمز آجری جمع‌آوری شده که هر دو دست‌ساز بوده، تمپر ماسه بادی داشته و حرارت کافی دیده‌اند. لازم به ذکر است که یکی از لبه‌ها به لوله‌ای مدور و استوانه‌ای وصل شده که البته این لوله شکسته شده است. این قطعه در واقع بخشی از یک ظرف کرومی شکل با گردن کوتاه، لبه برگشته و لوله‌ای استوانه‌ای میباشد؛ لوله به شانه ظرف متصل بوده و به طرف بالا کشیده شده است (شکل شماره ۷)؛ با این اوصاف گنجاندن قطعه به دست آمده از سراب تپه در یکی از دوره‌های عصر آهن، مشکل به نظر میرسد؛ هر چند که به لحاظ گاهنگاری، ظروف لوله‌دار عصر آهن مربوط به فاصله زمانی ۱۵۰۰ تا ۱۱۰۰ ق.م میباشند (طلایی، ۱۳۷۴: ۱۱).

۴) محوطه قبرستان گبری (T.A.S.-003 (Ghabrestan-e Gabri):

این محوطه در حدود ۲/۵ کیلومتری شمال شرق روستای نویز (Naviz) و در ارتفاع ۲۱۷۴ متری از سطح دریا در شمال طالقان قرار دارد. طی بررسی باستان‌شناختی محوطه، قطعات استخوان انسانی، قطعات سفالی خاکستری، نخودی و قرمز، قطعات فلزی و دانه‌های گردنبند عقیق و غیره به دست آمده که حکایت از وجود یک گورستان دارند (پازوکی، ۱۳۸۲: ۱۳۳). بیشتر سفالهای برداشت شده، غیر شاخص بوده و فاقد ارزش گاهنگاری هستند؛ با این وجود، چند نمونه سفال خاکستری کمرنگ چرخ‌ساز که دارای بافت ظریف و تمپر ماسه بادی با حرارت کافی میباشند، قابل توجه هستند. در این گروه سفالی، یک نمونه لوله‌ناودانی شکل نیز وجود دارد که مشابه لوله‌های ناودانی متداول در محوطه‌های عصر آهن ۱ شمال فلات مرکزی مانند قیطره (کامبخش فرد، ۱۳۸۳) و خورویین (واندنبیگ، ۱۳۷۹) است. دیگر سفالها دارای بافت خشن و تمپر شن درشت بوده و عمدتاً به رنگ نخودی تا قهوه‌ای میباشند. شایان ذکر است که در میان این گونه سفالی نیز یک لبه

قرمز آجری وجود دارد که دارای نقش برجسته زیگزاگی مانند نمونه محوطه هورسی بند است و مشابه این نوع نقش بر روی ظرفی سالم از گورستان چنار (واندنبرگ، ۱۳۷۹: لوحه ۱۵۸) نیز دیده میشود (شکل شماره ۸).

۵) محوطه روناسر (T.A.S.-016(Ronasar):

این محوطه در فاصله ۳۰۰ متری جنوب روستای زیددشت (Zeid Dasht) و در ارتفاع ۱۹۷۹ متری از سطح دریا قرار دارد. اگرچه در سطح محوطه علاوه بر سفالهای خاکستری عصر آهن، سفالهای دوران تاریخی و اسلامی نیز وجود داشته، ولی نمونه‌های برداشت شده همگی مربوط به عصر آهن میباشند. این محوطه نیز یک گورستان معرفی شده است (پازوکی، ۱۳۸۲: ۳۴۰). سفالهای خاکستری برداشت شده، چرخساز بوده و تمپر ماسه بادی دارند که البته نمونه‌های آشپزخانه‌ای با پخت ناکافی و تمپر شن نیز در بین آنها قابل مشاهده است. وجود نمونه سفالهای آشپزخانه‌ای در گورستان تا حدودی عجیب به نظر میرسد، زیرا این نوع سفالها عمدتاً کاربرد روزانه داشته‌اند. در میان مجموعه سفالی این محوطه، فنجانهای دسته‌دار مشابه قیطره (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۹۱) و گوی تپه (مدوسکایا، ۱۳۸۳: ۲۱۱)، تگار مشابه نمونه‌هایی از سیلک A (Ghirshman 1939, Pl.XLI)، قیطره (کامبخش فرد ۱۳۷۰: ۱۰۱-۱۰۰)، خورویین و پردیس (آقالاری، ۱۳۸۷؛ طرح ۵-۶)، کف صاف و لبه کاسه‌های باز وجود دارد (شکل شماره ۹). همچنین علاوه بر سفال، بخشهایی از دو نمونه خنجر آهنی نیز از سطح محوطه به دست آمده است (شکل شماره ۱۰). دسته و تیغه خنجرها به صورت یکپارچه قالب‌گیری شده‌اند. به دلیل اینکه اثری از انتهای دسته وجود ندارد، نمیتوان شکل اصلی انتهای دسته آنها را بازسازی نمود که مثلاً مستطیل شکل بوده‌اند یا هلالی. شایان ذکر است که در قرون ۱۰ و ۹ ق.م. استفاده از شمشیرهای آهنی در ایران رایج شده است (طلایی، ۱۳۸۱: ۹۴)، پس احتمالاً گورستان روناسر مربوط به عصر آهن ۱ و ۲ است.

۶) تپه معدن (T.A.S.-023(Ma'dan):

متأسفانه اطلاعاتی از موقعیت و مشخصات این محوطه منتشر نشده است، اما با توجه به اینکه با نام تپه معدن فشندک ثبت شده، به نظر میرسد در حوالی روستای فشندک در فاصله ۱۱ کیلومتری جنوب غرب مرکز طالقان واقع شده باشد. سفالهایی که با نام این محوطه برداشت شده همگی شاخص و مشتمل بر گونه خاکستری کمرنگ و با پخت کافی و تمپر ماسه بادی چرخساز میباشند. در میان مجموعه منتسب به محوطه تپه معدن کف‌های صاف، ظروف - احتمالاً جامه‌های (؟) - پایه‌دار مشابه نمونه‌های قیطره (کامبخش فرد، ۱۳۸۳: ۷۳)، لیوان مشابه نمونه‌هایی از تپه صرم (بحرانی پور، ۱۳۸۵: ۱۹۳) و قیطره (کامبخش فرد، ۱۳۸۳: ۷۷)، ظروف گلدانی شکل، کاسه‌های دهانه باز مانند نمونه‌های قیطره (کامبخش فرد، ۱۳۸۳: ۱۰۰) و لوله ناودانی

به چشم می‌خورد. همچنین یک نمونه بدنه با نقش برجسته زیگزاگی شکل مانند نمونه‌های به دست آمده از قبرستان گبری و محوطه هورسی‌بند نیز به دست آمده است. لازم به ذکر است که در یکی از لبه‌های مربوط به کاسه دهانه‌باز، دو سوراخ در کنار هم تعبیه گشته که از این حیث قابل مقایسه با نمونه‌ای از تپه دینخواه در عصر آهن ۱ (طلایی، ۱۳۸۱: ۱۲۴؛ شکل ۳۶) و نیز نمونه‌ای از گورستان تپه قبرستان دشت قزوین (فاضلی و نقشینه، ۱۳۸۵: ۱۴۲؛ تصویر ۱۱-۴) می‌باشد (شکل‌های شماره ۱۴-۱۱).

۷) محوطه پولاد دره (T.A.S.-020(Polad Dareh):

با وجود اینکه در بانک سفال موزه ملی، یک مجموعه سفالی با انتساب به این محوطه و با تاریخ کلی مفرغ و آهن ثبت شده، از مشخصات و موقعیت آن نیز اطلاعی در دست نیست. این مجموعه به دو گروه خاکستری (کمرنگ و تیره) و قرمز آجری تقسیم می‌شود. در میان سفالهای خاکستری، که چرخ‌ساز می‌باشند، فنجان دسته‌دار مشابه نمونه‌های قیطریه (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۹۱) و گوی تپه (مدوسکایا، ۱۳۸۳: ۲۱۱)، تگار مشابه نمونه‌هایی از سیلک A (Ghirshman, 1939, Pl.XLI)، قیطریه (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۱۰۱-۱۰۰)، خوروین و پردیس (آقالاری، ۱۳۸۷: طرح ۵-۶)، کاسه با دهانه باز، ظروف مینیاتوری (۴) و نیز یک نمونه با نقش برجسته زیگزاگی مشابه نمونه‌های به دست آمده از محوطه‌های هورسی‌بند و قبرستان گبری دیده می‌شود (شکل‌های شماره ۱۶-۱۵).

۸) تپه خولی زرد ورکش (T.A.S.-022(Kholi Zard):

این محوطه نیز در فهرست محوطه‌هایی است که متأسفانه اطلاعات مربوط به موقعیت و مشخصات آنها در دست نیست. سفالهای منتسب به عصر آهن محوطه مشتمل بر دو بدنه کروی با کف ته‌دکمه‌ای و دو کف تخت بوده که همگی خاکستری و چرخ‌ساز می‌باشند. به نظر می‌رسد دو نمونه با کف ته‌دکمه‌ای مربوط به دو فنجان باشد که نمونه قابل مقایسه با آنها از گورستانهای خوروین و چندار (Young, 1965: 69, fig.9, no.3) به دست آمده است (شکل شماره ۱۷).

۹) محوطه واگین سو (T.A.S.-048(Vagin So):

این محوطه در ۹۰۰ متری جنوب غرب شهرک طالقان و در ارتفاع ۱۹۲۰ متری از سطح دریا واقع شده است (پازوکی، ۱۳۸۲: ۲۱۰). مجموعه سفالهای برداشت شده به دو دسته اصلی خاکستری و قرمز کمرنگ تقسیم می‌شود. در بین گونه خاکستری که چرخ‌ساز بوده و از پخت کافی و تمپر ماسه بادی برخوردار است، کف‌های تخت، لبه‌های برگشته و لوله ناودانی وجود دارد. همچنین دسته‌های حلقوی در بین گونه قرمز

کمرنگ که دست‌ساز بوده و از تمپر شن و ذرات میکا برخوردارند، مشخصند. به نظر میرسد که گنجاندن گونه خاکستری در نیمه دوم هزاره دوم ق.م. منطقی‌تر باشد، زیرا چند نمونه از لبه‌ها مربوط به فنجان (دسته‌دار و بی‌دسته) است که به همراه لوله ناودانی از اشکال غالب در محوطه‌های این دوره مانند قیطره (کامبخش فرد ۱۳۸۳) و خوروین (واندنبرگ، ۱۳۷۹) به شمار می‌روند (شکل‌های شماره ۱۹-۱۸). گفتنی است که محوطه واگین سو در سال ۱۳۸۵ تعیین حریم و در نتیجه آن به عصر آهن ۲ منتسب شده است (توفیقیان، ۱۳۸۶).

۱۰) محوطه آشکارچر (T.A.S.-052):

این محوطه در حدود ۲ کیلومتری جنوب شرق روستای ورکش (Varekash) و در ارتفاع ۲۲۹۸ متری از سطح دریا واقع شده است (پازوکی، ۱۳۸۲: ۳۶۳). قطعات سفالی به دست آمده از محوطه خاکستری روشن، چرخ‌ساز و دارای تمپر ماسه بادی با پخت کافی است (شکل شماره ۲۰). ظروف لوله‌دار، مینیاتوری، پایه بلند، دسته‌دار و نیز ظروف با کف تخت را انواع شاخص تشکیل می‌دهند که با مقایسه با محوطه‌های مذکور و نیز محوطه‌های شاخص حوزه شمال مرکزی فلات ایران مانند قیطره، خوروین، ازبکی، پردیس و... به نظر می‌رسد که مربوط به نیمه دوم هزاره دوم ق.م. باشند.

نتیجه‌گیری:

سفالهای خاکستری تیره و روشن، قهوه‌ای، نخودی، قرمز و قرمز روشن را سفالهای عصر آهن منطقه طالقان تشکیل داده‌اند. سفالهای ساده خاکستری عمده‌ترین سفالهای منطقه در عصر آهن ۱ می‌باشند. این امر، مطابق با محوطه‌های شاخص این دوره مانند سیلک A، خوروین، قیطره، حسنلو، دینخواه و... بوده که بیشترین قطعات سفالی آنها را این گونه سفالی تشکیل می‌دهد (طلایی، ۱۳۸۱: ۱۲۲). بیشتر سفالهای محوطه‌های مورد بررسی چرخ‌ساز می‌باشند. این موضوع با ویژگی ظروف عصر آهن ۱ که تقریباً همگی چرخ‌ساز بوده و تنها در حدود ۳ درصد از آنها دست‌ساز می‌باشد (مدوسکایا، ۱۳۸۳: ۴۶)، نیز مطابقت دارد. وجود شاخصه‌های سفالی از قبیل ظروف لوله‌دار، ساغر، فنجان، ظروف پایه‌دار، ظروف ته‌دکمه‌ای و نیز کاسه‌ها مهم‌ترین شاخصه‌های گاهنگاری نسبی محوطه‌های منطقه طالقان به شمار می‌روند. ظروف با لوله ناودانی از شاخصه‌های عصر آهن ۱ می‌باشند (طلایی، ۱۳۷۴: ۱۰؛ مدوسکایا، ۱۳۸۳: ۴۷؛ نقشینه، ۱۳۷۵: ۱۲۳). به لحاظ گاهنگاری، ظروف لوله‌دار عصر آهن مربوط به فاصله زمانی ۱۵۰۰ تا ۱۱۰۰ ق.م. بوده، اما پیشینه ظروف لوله‌دار به قبل از عصر آهن برمیگردد و تنها تفاوت، این است که لوله‌های ظروف قبل از عصر آهن به شکل استوانه‌ای و سفالهای عصر آهن عمدتاً دارای لوله خمیده هستند (طلایی، ۱۳۷۴: ۱۱-۱۲). بیشتر ظروف لوله‌داری که از محوطه‌های عصر آهن شمال فلات مرکزی مانند قیطره و خوروین به دست آمده، دارای لوله ناودانی شکل هستند، با این

وجود رواج ظروف لوله‌دار (اعم از استوانه‌ای و ناودانی‌شکل) مربوط به عصر آهن است. شایان ذکر است که پیشینه ظروف لوله‌دار در ایران به هزاره ششم ق.م. میرسد (همانجا). عدم توجه به این پیشینه باعث شده تا گسترش این نوع سفال در عصر آهن به مهاجرت ایرانیان نسبت داده شود (Young, 1967).

هر چند فنجانها از پیش از عصر آهن ۱ در ایران شناخته شده‌اند، اما به همراه ساغرها یکی از اشکال غالب در محوطه‌های عصر آهن ۱ مانند حسنلو ۵ میباشند (مدوسکایا، ۱۳۸۳: ۷۲).

سفالهای با پایه بلند در محوطه‌های عصر آهن ۱ و ۲ خود منطقه شمال مرکزی ایران مانند قیطریه و خوروبین رایج گشته‌اند و سفالهای ته‌دکمه‌ای نیز از شاخصه‌های عصر آهن ۱ به شمار می‌آیند (نقشینه، ۱۳۷۵: ۱۲۳). کاسه‌های با دهانه باز و کف مسطح هم از جمله رایج‌ترین گونه‌های سفالی خاکستری‌رنگ در نیمه دوم هزاره دوم ق.م. به شمار می‌آیند که دو سوراخ در کنار هم در لبه برخی از آنها تعبیه گشته است.

بررسی سفال‌های محوطه‌های عصر آهن شمال فلات مرکزی ایران نشان میدهد که اکثر سفالهای گورستانهای عصر آهن این منطقه را سفالهای خاکستری تشکیل داده، در حالی که در محوطه‌های استقرار این دوره مانند حسنلو و سگزآباد تنوع سفالها به مراتب بیشتر است و نسبت سفالهای خاکستری بسیار کمتر از گورستانهاست. با فرض چنین موضوعی در منطقه طالقان، میتوان گفت که در برخی از محوطه‌ها مانند تپه معدن احتمال وجود گورستان مربوط به عصر آهن بیشتر است. البته لازم به ذکر است که این فرض صرفاً بر اساس بررسی سفالهای موجود در بانک موزه ملی ایران بوده و این احتمال نیز میرود که در چنین محوطه‌هایی سفالهای غیر خاکستری‌ای نیز وجود داشته باشد که نمونه‌برداری نشده‌اند. وجود سفالهای غیر خاکستری و غیرشاخص در برخی از محوطه‌های منتسب به عصر آهن منطقه طالقان، گاهنگاری آنها را با مشکل مواجه ساخته است. نمیتوان به سادگی مشخص کرد که محوطه‌های با سفالهای متنوع خاکستری، قرمز، قهوه‌ای و... مربوط به کدام دوره از عصر آهن میباشند، اما در یک نگاه کلی و گسترده‌تر می‌توان گفت، این تنوع سفالی عمدتاً در عصر آهن ۲ به وجود آمده و سفالها منطقه‌ای شده‌اند، به طوری که از سفالهای خاکستری به میزان کمتری نسبت به آهن ۱ استفاده شده است و سفالهای نخودی و قرمز نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به نظر میرسد منطقه‌ای شدن فرهنگهای عصر آهن ۲ ناشی از تأثیر محدود فرهنگهای خارجی مانند آشور، قفقاز و سوریه، تکامل طبیعی فرهنگ عصر آهن ۲ و فعال شدن فرهنگهای بومی بوده است (طلایی، ۱۳۸۱: ۱۳۳). احتمالاً این سه عامل به همراه تأثیرات برون منطقه‌ای در نتیجه برهم‌کنش جوامع عصر آهن باعث استفاده از سنت‌های سفالی متنوع در منطقه طالقان گشته است، هر چند که در هر دوره، گونه‌ای خاص رواج بیشتری داشته است. این امر با فرض جوامع کوچ‌نشین در منطقه در عصر آهن نمود بیشتری می‌یابد. نبود محوطه‌های استقراری مرتبط با گورستانها در عصر آهن باعث شده تا این گورستانها به جوامع دامپرور و کوچ‌نشین نسبت داده شوند. این امر در مناطق کم‌امکانات کشاورزی مانند زاگرس مرکزی در

مقایسه با مناطق پست قابل کشاورزی گسترده، نمود بیشتری می‌یابد. امروزه نیز در منطقه طالقان به دلیل ویژگیهای محیطی خاص دامپروری و کوچ‌نشینی وجود دارد. این منطقه کوهستانی است و منابع آب زیادی دارد، با وجود این به دلیل کمبود زمینهای قابل کشاورزی، معیشت ساکنان منطقه را عمدتاً باغداری و دامداری تشکیل می‌دهد. در طول تاریخ نیز ساکنین منطقه، پیوسته زندگی ایلی داشته‌اند (پازوکی، ۱۳۸۲: ۲۰)؛ صعب‌العبور بودن منطقه باعث انزوای آن در طول زمان در مقایسه با مناطق پیرامونی شده است. همچنین ارتفاع بالا و اقلیم سرد آن باعث شده تا اوج تراکم جمعیتی در روستاها در تابستان باشد، به طوری که در برخی مواقع جمعیت آنها به بیست برابر زمستان می‌رسد (همان: ۲۱). از طرفی محوطه‌های عصر آهن منطقه نیز در ارتفاع نزدیک به بالای ۲۰۰۰ متری سطح دریا قرار گرفته، که با توجه به وجود آب و هوای سرد آن، احتمالاً این محوطه‌ها به صورت فصلی توسط کوچ‌نشینان مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

به هر حال، جدا از اینکه محوطه‌های عصر آهن طالقان مربوط به چه قومی و با چه نوع الگوی معیشت و حرفه‌ای بوده‌اند، مسئله تاریخ‌گذاری آنها در اولویت قرار دارد. همان‌طوری که مقایسه سفالهای شاخص محوطه‌های مورد بحث نشان داد، بیشتر آنها دارای نمونه‌های سفالی مشابه با دیگر محوطه‌های شاخص عصر آهن حوزه شمال مرکزی فلات ایران از قبیل قیطره، خروین، تپه صرم و... بوده‌اند و لذا میتوان گفت در فاصله زمانی عصر آهن ۱ و ۲ جای می‌گیرند.

سپاسگزاری

ضروری است که از آقای ناصر پازوکی که اجازه مطالعه یافته‌های بررسی منطقه طالقان را به نگارندگان دادند و نیز آقای دکتر حسن طلایی که با خواندن مقاله به اعتلای آن کمک نمودند تشکر و قدردانی به عمل آید. همچنین از آقای محمد کرمی، مسئول محترم بانک سفال موزه ملی، و همکار ایشان سرکار خانم غفوری که جهت مطالعه سفالها با ما همکاری نمودند، سپاسگزاری میشود.



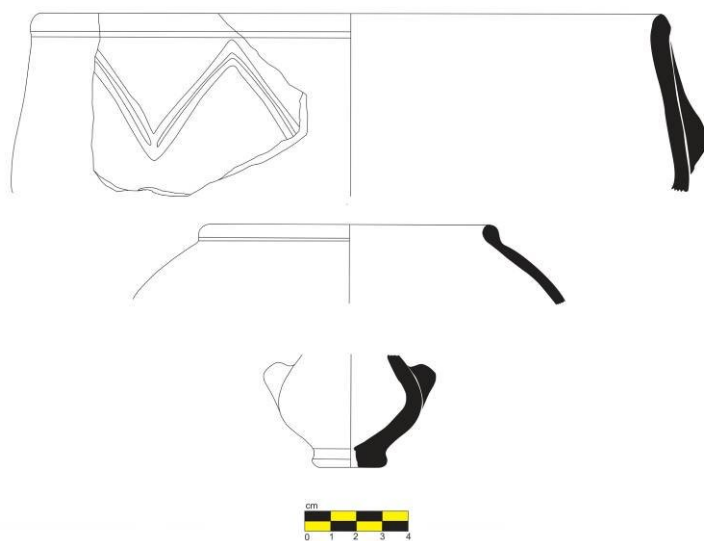
شکل شماره ۱: موقعیت جغرافیایی منطقه طالقان



شکل شماره ۲: نمونه سفالهای محوطه هورسی بند



شکل شماره ۳: نمونه سفالها و درفش مفرغی به دست آمده از محوطه هورسی بند



شکل شماره ۴: نمونه سفالهای محوطه هورسی بند



شکل شماره ۵: نمونه سفالهای محوطه هورسی بند



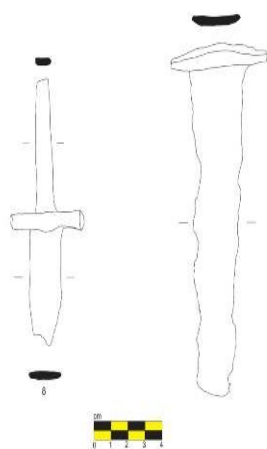
شکل شماره ۶: نمونه ظرف سفالی از محوطه فشندک



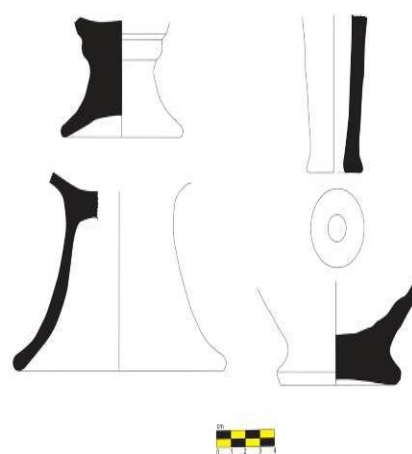
شکل شماره ۸: نمونه سفالهای محوطه قبرستان گبری



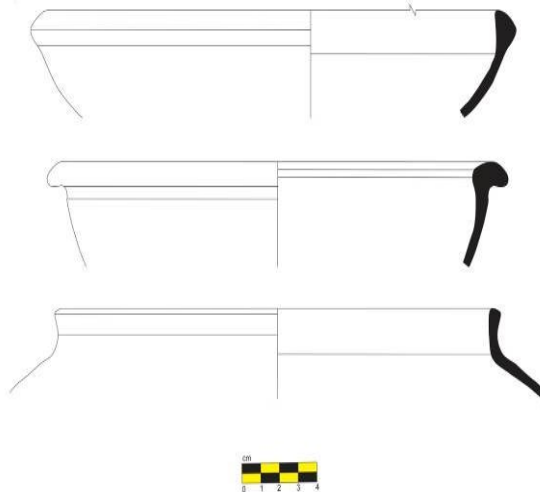
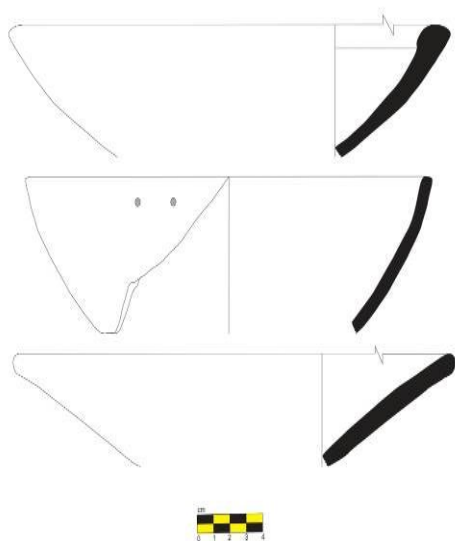
شکل شماره ۷: نمونه سفالهای سراب تپه



شکل شماره ۱۰: خنجرهای آهنی محوطه روناسر

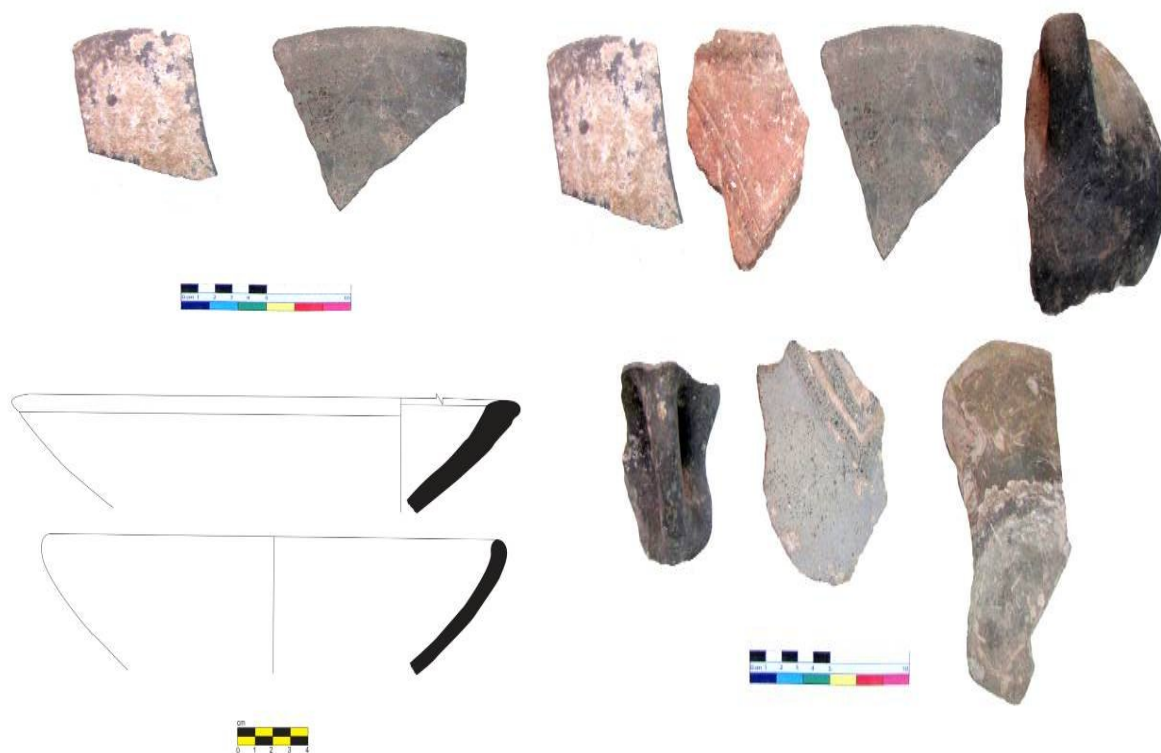


شکل شماره ۹: نمونه سفالهای محوطه روناسر



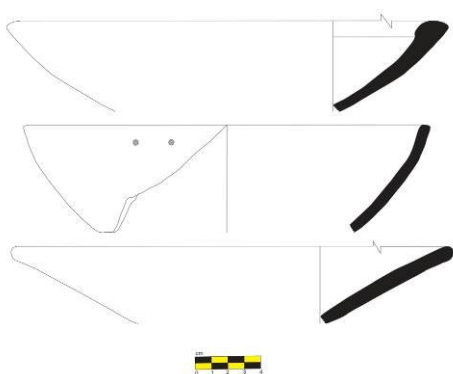
تصویر شماره ۱۲: نمونه سفالهای تپه معدن

تصویر شماره ۱۱: نمونه سفالهای تپه معدن



شکل شماره ۱۳: نمونه سفالهای تپه معدن

شکل شماره ۱۴: نمونه سفالهای تپه معدن

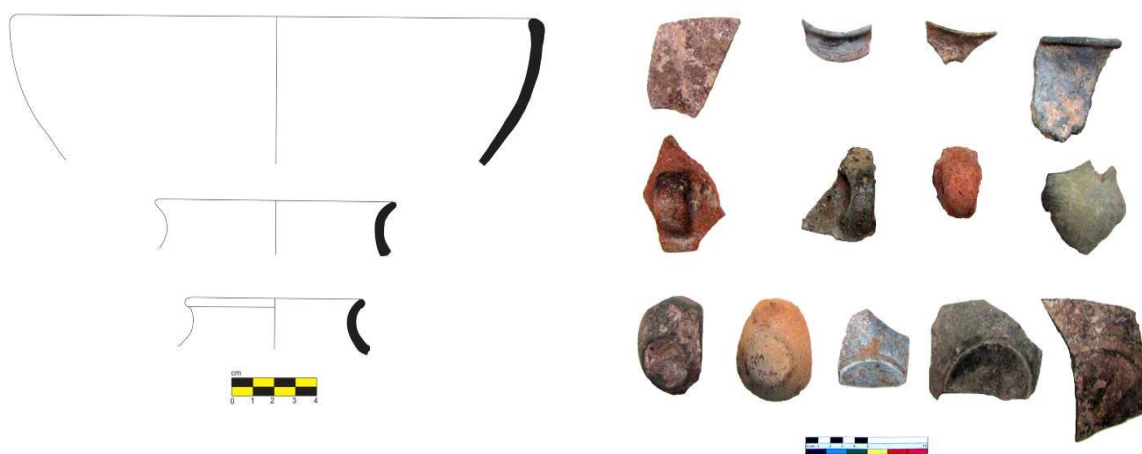


شکل شماره ۱۵: نمونه سفالهای محوطه پولاد دره



شکل شماره ۱۷: نمونه سفالهای محوطه خولی زرد ورکش

شکل شماره ۱۶: نمونه سفال محوطه پولاد دره با نقش برجسته



شکل شماره ۱۹: نمونه سفالهای محوطه واگین سو

شکل شماره ۱۸: نمونه سفالهای محوطه واگین سو



شکل شماره ۲۰: نمونه سفالهای محوطه اشکارچر

پی‌نوشت‌ها:

۱. علاوه بر محوطه‌های مورد نظر این نوشتار، طی بررسی باستان‌شناختی منطقه طالقان، ۸ محوطه دیگر با نامهای لمبران (Lambaran)، پوله چال (Poleh Chal)، خرما له کول (Khurmaleh Kol)، میرآش (Mirash)، کوشک سر (Koshk Sar)، غار پنجعلی (Panj Ali Cave)، زرده گهره (Zardeg Gahre) و پنجعلی تپه (Panj Ali Tapeh) به عصر آهن منتسب گشته است (پازوکی، ۱۳۸۲) که متأسفانه به دلیل اینکه از برخی از این محوطه‌ها هیچ یافته حاصل بررسی در دسترس نگارندگان نبوده و از برخی دیگر نیز سفالهای شاخص جهت مطالعه و مقایسه برداشت نشده، از حوزه مطالعه این نوشتار خارج گشته‌اند.

منابع:

- آقلااری، بایرام (۱۳۸۷)، *بررسی و مطالعه سفالینه‌های عصر آهن دشت ری براساس کاوشهای گورستان تپه پردیس*، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- بحرانی پور، حنان (۱۳۸۵)، *بررسی تکنیک سفالگری عصر آهن تپه صرم (کهک-قم)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- پازوکی طرودی، ناصر (۱۳۸۲)، *آثار تاریخی طالقان*، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- پوربخشنده، خسرو (۱۳۸۲)، *گزارش فصل سوم کاوش در محوطه باستانی فرهنگ سفال خاکستری تپه صرم*، استان قم، بخش کهک، روستای صرم، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- توفیقیان، حسین (۱۳۸۶)، «محوطه باستانی واگین سو، طالقان»، در: *گزارشهای باستان‌شناسی ۷*، جلد دوم، مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری: تهران، صص ۱۱-۱۸.
- سرلک، سیامک و شیرین عقیلی (۱۳۸۳)، «گزارش لایه‌نگاری محوطه باستانی قلی درویش جمکران-قم»، *گزارشهای باستان‌شناسی ۳*، پژوهشکده باستان‌شناسی: تهران، صص ۵۹-۹۶.
- طلایی، حسن (۱۳۷۶)، «پویایی فرهنگی در باستان‌شناسی ایران»، *یادنامه اولین گردهمایی باستان‌شناسی ایران*، شوش، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور: تهران، صص ۲۵۹-۲۶۳.
- _____ (۱۳۷۴)، «پیشینه ظروف سفالین لوله دار و مهاجرت آریائیها»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال نهم، شماره اول، پاییز و زمستان ۷۴: صص ۹-۱۵.
- _____ (۱۳۸۷)، *عصر آهن ایران*، انتشارات سمت، تهران.
- _____ (۱۳۸۱)، *باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد*، چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران.
- فاضلی، حسن و امیر صادق نقشینه (۱۳۸۵)، «قبرهای عصر آهن تپه قبرستان»، در: *باستان‌شناسی دشت قزوین*، انتشارات دانشگاه تهران: تهران، صص ۱۲۱-۱۴۸.
- فهیمی، سید احمد (۱۳۸۱)، *فرهنگ عصر آهن در کرانه‌های جنوب غربی دریای خزر*، انتشارات سمیرا، تهران.
- کامبخش فرد، سیفالله (۱۳۷۰)، *تهران سه هزار و دویست ساله*، نشر فضا، تهران.
- _____ (۱۳۸۳)، *سفال و سفالگری در ایران*، چاپ دوم انتشارات ققنوس، تهران.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۸)، *نخستین و دومین فصل حفاریات باستان‌شناسی در محوطه ازبکی: ساوجبلاغ (۱۳۷۷-۱۳۷۸)*، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- مدوسکایا، یانا (۱۳۸۳)، *ایران در عصر آهن ۱*، ترجمه علی اکبر وحدتی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور، تهران.
- مهرکیان، جعفر (۱۳۷۴)، «افق نوین در پژوهشهای سفال خاکستری»، *مجله میراث فرهنگی*، شماره ۳: صص ۵-۷۴.
- نقشینه، محمدصادق (۱۳۷۵)، *مطالعه سفالهای خاکستری و رابطه آن با مهاجرت اقوام ایرانی*، پایان‌نامه کارشناسی

ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
نگهبان، عزت‌الله (۱۳۵۱)، «گزارش دوماهه عملیات حفاری منطقه سگزآباد»، مجله مارلیک، شماره ۱، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ح.
هژبری نویری، علیرضا و مهناز صالحی گروسی (۱۳۸۴)، «هنر سفالگری عصر آهن در گورستان مسجد کبود تبریز»، مجله باستان‌شناسی، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۴: صص ۳۰-۳۸.
واندنبیگ، لویی (۱۳۷۹)، *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

Dyson, Jr. R.H. (1965), "Problems of prehistoric Iran as seen from Hasanlu", *Journal of Near Eastern Studies* 24: 193-217.

Ghirshman, R. (1939), *Fouilles de Sialk Pres de Kashan*, Paris.

Mousavi, A. (2005) "Comments on the early Iron Age in Iran", *Iranica Antiqua*, Vol. XL: 87-99.

Young, T.C. Jr. (1965), "A comparative ceramic chronology for western Iran 1500-500 B.C. ", *Iran*, no. 3: 53-83.

- (1967), "The Iranian migration into Zagros", *Iran*, no. 4: 11-34.

- (1985), "Early Iron Age Iran Revisited: Preliminary suggestion for the reanalysis of old constructs", in: *Del, Indus aux Balkans*, Recueil Jean Deshayes, Editions Recherches Surles Civilizations, Paris: 361-378.